

راز پشت عینک دودی

امیدآرمین

یک مرد ولگرد به طرز مرموزی مورد حمله مرگباری قرار گرفت و با اصابت چندین ضربه چاقو از پا در آمد. پلیس در نخستین بررسی‌هایی برد این مرد با گدایی پول زیادی به جیب زده بود و این پول‌ها در زمان وقوع جنایت به سرعت رفته‌است. از آن‌جا که هیچ‌کس جز دوستان هم راسته شهرام گدا نمی‌دانستند این مرد ژولیده‌و زنده‌پوش، پول‌دار است پس باید عامل جنایت در میان دوستان وی باشد. افسر پرونده، تک‌تک دوستان شهرام گدارا تحت بازجویی قرار داد، آن‌ها همه برت‌ویلا گفتند اما آخرین نفر چیزهای تازه‌ای برای گفتن داشت. غلام کوری می‌گفت شب حادثه در چند قدمی شهرام گدا بود، مرموز و مطمئن حرف می‌زد اما چگونه ممکن بود این کورو ولگرد بتواند عامل قتل راشناسایی کند. غلام کوری یک عصای رنگ‌ورورفته دستش بود، وقتی روی صندلی نشست دستش را روی میز کشید تا مطمئن شود، فرد روبروی افسر پرونده شهرام گداست.

■ **از کی با شهرام گدا دوست بودی؟**

از وقتی خدومو شناختم او را می‌شناختم، من و شهرام گدا جلوی سفارت ترکیه پاتوق می‌کردیم اما اون ز رنگ‌تگ بود و پول بیشتری در می‌آورد.

■ **مثلاً چقدر پول؟**

نمی‌دونم فقط این‌رو می‌دونم که خیلی پول دار بود حتی می‌توانست با اون پول‌ها چندتایی خونه بخره اما اجل امانش نداد، چه مرگ در ناکی داشت.

■ **پول‌هاشو کجا می‌گذاشت؟**

همیشه پیش خودش نگه می‌داشت، می‌ترسید جای دیگه‌ای بگذاره، هر چی پول خرد داشت به پول درشت تبدیل کرده بود و ی‌کی گونی مخفی می‌کرد.

■ **زن و بچه‌ای داشت؟**

نه، می‌گفت می‌خواد اون قدر پول جمع کنه تا وقتی خواستگاری دختری رفت خانواده اون نتونن بهونه بیان و به اون دختر ندن.

■ **شب‌ها کجا می‌خوابید؟**

زیر پل‌ها می‌خوابیدیم اما اون همیشه حواسش جمع بود که پول‌هایش رون‌دزدن.

■ **خواب شب جنایت بگو؟**

توی خیابون مولوی بودیم البته شهرام گدا از من جدا شده بود که شنیدم یک مرد اونو صدا می‌زنه.

■ **صدای اون مرد آشنا نبود؟**

نه، اصلاً نشنیده بودم، انگار خود شهرام گدا هم او را نمی‌شناخت چون اون مرد دومین بار با عصبانیت او را صدا کرد بعد خنده‌های چند مرد دیگه‌ای رو شنیدیم.

■ **یعنی آدم کش‌ها، چند نفر بودند؟**

بله مطمئن خودم صدای چند مرد را شنیدم، اونا اولش با زبون خوش از شهرام گدا خواستند گونی پول را به اونا بدهد اما دوستم که یک‌عمر جون کنده بود، پول جمع کنه نپذیرفت.

■ **بعد چی شد؟**

صدای آه‌وناله‌هاش زیر دست‌وپای دزدها هنوز توی گوشم می‌پیچه، چند دقیقه‌ای دوام آورد اما اون نامردها با چاقو او را زدند.

■ **توی این مدت تو هیچ کاری نکردی؟**

من بودیم سمت اونا و دادو بیداد را ه انداختیم، یکی از دزدها که یک چاقوی بزرگ ضامن دار دستش بود اومد سمت من، چاقو رو گذاشت زیر گلو مو تهدید کرد که اگر جیکم در بیاد مثل شهرام گدا سوراخ سوراخ می‌شم.

■ **خب، گفتی که تهدیدت کردند؟**

بله، وقتی دیگه صدای اونا رو نشنیدم یواش یواش ر فتم سمت محل درگیری شهرام گدا روی زمین افتاده بود، نشستم بالا سرش و زدم زیر گریه.

■ **تو از کی کور هستی؟**

غلام کوری عینک دودی رو روی بینی‌اش جا به جا کرد و گفت: من کور مادرزاده‌ستم، چطور مگه؟

■ **بگو ببینم چرا شهرام گدا رو کشتی؟**

جناب سروان مزاح می‌کنید یا یک دستی می‌زنید، من گفتم که چند دزد اونو به قتل رسوندند.

■ **ببینم قیافه اون دزدها یادت نمیاد؟**

من کورم، اونا رو ندیدم چطور انتظار داری قیافه آدم کش‌ها یادم بیاد.

■ **پس چه جوری فهمیدی اون مردی که سمت تو اومد، یک چاقوی ضامن دار بزرگ داشت؟**

بالکنت زبان گفت: به خدا نمی‌خواستم این جوری بشه، خیلی وقت بود که از شهرام گدا می‌خواستم به مقداری به من پول قرض بده وقتی دیدم اون این کار رو نمی‌کنه نقشه کشیدم اونو به قتل برسونم و پول‌هاشو به سرعت ببرم.

۲۴ ساعت بعد، وقتی متخصصان پزشکی قانونی در معاینات اعلام کردند غلام کوری چشمان سالمی دارد و این مرد پلیس را به محل اختفای پول‌های قربانی برده، با دستور قاضی جنایی روانه زندان شد.

یک زن وقتی فهمید شوهرش به کلاهبرداری میلیاردهی از طعمه‌هایش دست زده است با چشمانی گریان پا در دادگاه خانواده ونک تهران گذاشت. مرد شاید به خاطر آلودگی به قمار همه زندگی‌اش را باخت و درحالی‌که زن و بچه‌هایش در تنگنا بودند کلاهبرداری کرد و همه پول‌های با‌دآورده را به باد داد.

■ **چشم انتظار**

نیمه شب نسرين با چشمانی نگران به ساعت‌نگاهی انداخت. عقر به‌ها به سرعت از جلوی چشمانش حرکت می‌کردند و دلشوره بیشتری را به دل زن جوان می‌نشاندد. نسرين از جا بلند شد. پتو را روی معصومه کشید. نگاهی به رضا انداخت و آهی کشید. چرا مسعود این قدر دیر کرده بود. چرا به خانه نیامده بود.

يك هفته‌می‌شد که چند مرد به در خانه‌شان می‌آمدند و سراغ مسعود را می‌گرفتند. نسرين نگران بود مدتی می‌شد شوهرش ولخرچی‌های زیادی می‌کرد و شب‌نشینی‌هایش در خانه دوستانش زیاد شده بود. نسرين دید که مسعود بی‌تاب است و روزها از خانه فراری شده است. هرچه از مسعود پرسیده بود چه شده است مردانی که جلوی در خانه می‌آیند چ‌ربطی به کار

■ **تحلیل کارشناس**

ناصر احمدی-حقوق دان|

در باره این که اگر شوهری به اتهام کلاهبرداری به زندان محکوم شد آیا زن می‌تواند تقاضای طلاق کند یا نه باید گفت که مطابق قانون مدنی زن در برخی از موارد و به استناد برخی دلایل می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق کند. از جمله بر اساس ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی در صورتی که شوهر از پرداختن نفقه امتناع کند یا این که مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی زن در عسر و حرج باشد و ادامه زندگی برای او دشوار و غیر ممکن باشد و همچنین ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی گفته است در صورت غایب و مفقودالاثر بودن شوهر، زن

او دارند جوابی نشنیده بود تا این که راز شومی فاش شد.

■ **درخواست طلاق**

نسرين در حالی که گریان بود به دادگاه خانواده یک‌تهران در میدان ونک رفت او تصمیم جدی‌اش را گرفته بود می‌خواست خودش و بچه‌هایش به خاطر قمار بازی شوهر زندانی‌اش تپاه نشوند.

وقتی در شعبه ۲۷۵ دادگاه خانواده پیش روی قاضی ایستاد، گفت: ۱۰ سال پیش شوهرم پسر مش عباس نانواي محله بود ای کاش پایم می‌شکست و برای خرید نان به نانوائی نمی‌رفتم آن روز دوماهی از در گذشت پدرم به خاطر بیماری سرطان گذشته بود خیلی به هم ریخته بودیم رفتیم تا نان بخرم اولین بار بود که می‌خواستیم نان بخرم صف طولانی بود و من درحالی‌که خجالت می‌کشیدم در گوشه‌ای ایستادم که جوانی نزد آمد او پسر نانوا بود و وقتی دید بلد نیستن نان بخرم پول را گرفت و برایم نان را آورد همان بر خورد باعث شد من درگیر محبت مسعود شوم و انگار او هم به من علاقه مند شده بود.

نسرين ادامه داد: يك ماه بعد خانواده مسعود به خواستگاری من آمدند بی‌تمایل نبودم همه چیز به سرعت درست شد و من خیلی زود و البته بعد از سالگرد فوت پدرم

می‌تواند درخواست طلاق کند. بر اساس ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی زن و شوهر طرفین عقد می‌توانند در زمان عقد شرط کنند مبنی بر این که هرگاه شوهر زن دیگری بگیرد یا این که ترک انفاق یا علیه حیات زن سوء قصد یا سوء رفتاری داشته باشد و زندگی برای زن غیر قابل تحمل شود، زن می‌تواند بر اساس شرط ضمن عقد وکیل یا وکیل در توکیل باشد و پس از اثبات تحقق شرط در دادگاه درخواست صدور حکم نهایی را از دادگاه درخواست کند. اگر زن و شوهر شرایط عقد نامه را اضا کرده باشند، در بند ۶ سند ازدواج آمده است اگر محکومیت شوهر با حکم قطعی دادگاه پنج سال حبس یا بیشتر باشد یا به خاطر عجز از پرداخت جزای



با مسعود ازدواج کردم.

زن جوان آهی کشید و ادامه داد: مسعود روزهای اول خیلی مهربان بود اما عقاید عجیب و غریبی داشت او می‌گفت دوست ندارم مثل پدرش چون بکنند يك لقمه نون در بیاور دخب من دلیلی نمی‌دیدم مسعود راسرزنش کنم تصورم این بود او می‌خواهد خیلی تلاش کند تا زندگی مر فقهی داشته باشیم اما با وجود این که دختر و پسر م به دنیا آمده بودند می‌دیدم زندگی مان

نقدی به پنج سال حبس یا بیشتر تحمل کیفر کنند. زن می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق کند. یکی از راه‌هایی که زن می‌تواند اقدام به طلاق خود کند جلب موافقت شوهر است چون به هر حال طلاق در دست شوهر است و زن می‌تواند با دادن مالی به شوهر یا پرداخت قسمتی از مهر به خود به مرد موافقت شوهر را برای دادن طلاق جلب کند. این نوع طلاق در قانون مدنی طلاق خلع یا مبارات نام دارد، یعنی اگر زنی به هر دلیل از شوهر خود کراهت و تنفر دارد و می‌خواهد از او جدا شود یا روش فوق به صورت توافق از شوهرش جدا می‌شود. گفتنی است، طلاق خلع یا طلاق مبارات تفاوت دارد، که در طلاق خلع زن نسبت به شوهر کراهت دارد

درجایم زند و پیش‌رفتی نکرده‌ایم جز این که مسعود رفتار عجیبی داشت یک هفته بی‌پول می‌شدیم و ناگهان ولخرچی‌ها شروع می‌شد خیلی از شب‌ها در خانه نبود گاهی خندان به خانه می‌آمد و برخی از شب‌ها گریان! هر وقت از مسعود درباره کار و کاسبی‌اش سوال می‌کردم جواب سر بالا می‌داد و می‌گفت زن نباید به این کار هادخالث کند.

نسرين گفت: تا وقتی پدر شوهرم بود، زندگی مان خیلی سخت نبود، ولی در این هشت سال بعد از او، من و بچه‌های خیلی سختی کشیدیم انگار هرچه شوهرم به خانه می‌آورد، بهر تکت نداشت. زن جوان گریه‌کنان گفت: يك روز صبح زود، وقتی برای خرید بیرون رفتم چندتن از زنان محله با دیدن من شروع به پیچ‌پیچ کردند فهمیدم در باره شوهرم حرف می‌زنند با خجالت به خانه برگشتم، نزدیک ظهر صدای زنگ در حیاط را شنیدم وقتی در را باز کردم قیة خانم، زن همسایه شتر را بود. با دیدن او جا خوردم او ناراحت بود، فهمیدم می‌خواهد خبری به من بدهد وقتی شنیدم مسعود را ماوران پلیس، سر کوچه باز داشت کرده اند انگار دنیا روی سرم خراب شد. نسرين افزود: در کلانتری متوجه شدم شوهر مرا به خاطر

و کراهت از جانب زن است ولی در طلاق مبارات، کراهت دوطرف زن و شوهر مطرح است. بنابراین چنانچه شوهر به اتهام کلاهبرداری در دادگاه محکوم شده باشد و حکم نام برده در دادگاه تجدیدنظر تأیید و قطعی شده باشد همسر او می‌تواند از طریق اثبات شرط سند ازدواج بندهای ۹ و ۱۰ قبایله ازدواج در صورتی که در زمان عقد شوهر آن دو بند مزبور را اضا کرده باشد از دادگاه درخواست طلاق کند. در باره حضانت فرزندان این گونه زوج‌ها نیز چون در قانون مدنی حضانت را برای والدین هم حق و هم تکلیف دانسته است، یعنی حق حضانت فرزندان حق انحصاری پدر و مادر است و تا زمانی که پدر و مادر زنده هستند و صلاحیت نگهداری از

بررسی حوادث

طلاق از مردی شوم پشت‌میله‌های زندان

کلاهبرداری دستگیر کرده اند. مسعود ۲۱۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده بود مال باخته‌ها با وجود گریه‌های من رضایت ندادند بدتر این که فهمیدم شوهرم پول‌ها را در اعتیادش به مواد مخدر و قمار باخته است و کاملاً آس و پاس است دادگاه او را مجرم شناخت. حالا شوهرم باید این همه پول را بر گر داند. پول‌هایی که هیچ وقت در زندگی من و دو بچه‌اش وارد نشده بود. نسرين گفت: وقتی به ملاقاتش در زندان رفتم به من پیشنهاد داد نزدیکی از دوستانش به نام حیدر بروم و برایش کار کنم من هم از همه جایی خبر رفتم و فهمیدم حیدر مواد فروش است. در دلم از مسعود متنفر شدم و از همان روز تصمیم گرفتم طلاق بگیرم امروز آمده ام تا حکم طلاق بگیرم. یک مرد که به خود اجازه می‌دهد زنش را به فروش مواد مخدر بکشدان لیاقت شوهر و پدر بودن را ندارد و امیدوارم حکم طلاق صادر شود و حضانت بچه‌ها هم به من برسد قول می‌دهم در خانه مردم کار کنم تا آبرومندانه زندگی کنم.

بنابر این گزارش؛ قاضی دادگاه دستور داد پرونده شوهر نسرين بررسی شود این مرد از زندان احضار شود تا طبق قانون درباره درخواست طلاق تصمیم‌گیری قضایی انجام شود.



بار دیگر به حکم صادر شده اعتراض کرد.

با این اقدام پرونده برای بررسی موشکافانه به دیوان عالی کشور فرستاده شد که قضات دیوان نیز پس از بررسی‌های کارهای موجود در پرونده حکم بی‌گناهی پسر عاشق پیشه را تأیید کردند.

بی‌گناهی پسر عاشق پیشه در مرگ دختر جوان

زده است. هنگامی که دختر مورد علاقه ام خودش را کشت من در خانه نبودم.

به دنبال اظهارات پسر جوان مدرکی علیه‌وی به‌دست نیامد و برایش قرار منع تعقیب صادر شد، اما پدر پریا به این‌قرار اعتراض کرد.

■ **در دادگاه**

بدین ترتیب پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده پدر پریا به قضات گفت: امیرحسین دخترم را از بالکن خانه‌اش به پایین پرتاب کرده اما با صحنه‌سازی قصد داشته است تا از مجازات بگریزد. من برای او تقاضای مجازات دارم. وقتی امیرحسین به دفاع پرداخت، گفت: من عاشق پریا بودم. پدر پریا ادعا می‌کند من بارها او را تنگ زده‌ام اما این ادعا دروغ است اگر قبلاً دخترش را تنگ زده بودم، خودش در دعوای ما دخالت می‌کرد. پریا به افسردگی مبتلا بود و چند بار او را به دکتر برده بودم. او تحت درمان قرار داشت اما گاهی اوقات حالش به شدت بد می‌شد.

■ **بی‌گناهی**

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و امیرحسین را تبرئه و برایش قرار منع تعقیب صادر کردند، اما پدر پریا

خودکشی اعلام کرد پدر پریا از امیرحسین شکایت کرد و وی را در مرگ دخترش مقصر دانست.

این پدر داغ‌دیده به ماموران گفت: دخترم از ۱۰ سال قبل با امیرحسین در رابطه بود اما امیرحسین حاضر نبود با دخترم ازدواج کند.

آن‌ها بارها با هم درگیر شده بودند و امیرحسین چندین بار دخترم را به شدت تنگ زده بود. پریا هر بار می‌خواست رابطه‌اش را با او تمام کند امیرحسین با تهدید و تنگ کاری دخترم را مجبور می‌کرد تا به رابطه‌اش با او ادامه دهد.

پدر پریا ادامه داد: یک ماه قبل از مرگ دخترم امیرحسین دخترم را به شدت تنگ زده بود. دخترم از امیرحسین ترس داشت و شک ندارم او در مرگ دخترم دست داشته است.

به دنبال اظهارات این مرد با دستور بازپرس امیرحسین به دادسرا فراخوانده شد. پسر جوان درباره مرگ دختر جوان گفت: من به پریا علاقه مند بودم اما شرایط مالی و خانوادگی ام طوری نبود که بتوانم با او ازدواج کنم، ما رابطه خوبی با هم داشتیم و هرگز با هم تنگ کاری نکرده بودیم. آخرین بار پریا به خانه‌ام آمده بود و من در محل کارم بودم که دوستانم با من تماس گرفتند و گفتند پریا دست به خودکشی

خودکشی دختر جوان از بالکن خانه، پسر عاشق پیشه را به درسر بزرگی انداخت.

پسر جوان بعد از سه سال کش و قوس قضایی، از دست داشتن در مرگ مرموز دختر مورد علاقه‌اش تبرئه شد.

در بررسی‌های پلیسی روشن شد دختر جوان وقتی هممان این‌پسر بود خودش را از بالکن خانه به پایین پرتاب کرده و جان سپرده است.

■ **سقوط مرگبار**

رسیدگی به این پرونده از تابستان سال ۹۵ به دنبال سقوط مرموز یک دختر ۳۲ ساله به نام پریا از بالکن طبقه سوم یک آپارتمان در غرب تهران آغاز شد. شواهد نشان می‌داد این دختر خودش را از بالکن به پایین پرت کرده و جان سپرده است. جسد دختر جوان برای از گشایی از مرگ او با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس به تحقیقات میدانی پرداخت. در بررسی‌ها روشن شد پریا از چندین سال قبل با یک پسر جوان به نام امیرحسین در رابطه بود و در غیاب پسر مورد علاقه‌اش، خودش را از بالکن خانه او به پایین پرت کرد و جان سپرد. وقتی پزشکی قانونی در گزارشی علت فوت را

صفحه آرایبی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن مهر شماره یکمدر
و سه مشهد به شماره ثبت ۳۰۹۹۶
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۶۲۲۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۱ و نامه شماره ۱۰۲۶۱ مورخ ۹۷/۵/۲۱ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی مشهد تصمیات ذیل اتخاذ شد:
۱- معجد شریعتی ۰۹۴۱۵۰۳۸۴۴ بازرس اصلی و زهرا تاجیک ۰۹۳۹۵۹۸۸۷ بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲- اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: محمدنجاران برق مشهدی ۰۹۳۸۴۶۴۴۴ و ولی الله جعفری فرد ۰۰۳۶۹۸۲۱۲۴ و علی تاجیک ۰۰۹۷۴۰۹۷۴۴ به سمت اعضای اصلی و رامت نبیاشوی ۰۹۳۹۶۱۲۰۲۱ و جوادحسن زاده قرانی ۰۹۳۳۶۸۲۴۵ به سمت اعضای علی‌البدل هیئت مدیره برای مدت ۳ سال تعیین گردیدند
۳- صورتهای مالی ۱۳۹۵ به تصویب رسید.
۴- سرمایه شرکت به مبلغ ۱۱۸ میلیون ریال (تعداد ۲۲۶ سهم ۵۰۰ هزارریالی) کاهش یافت.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۲۲۷۰۳)
۰۹۸۱-۱۸۵۸

آگهی تغییرات شرکت ایده سازان بارناوا
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۵۹۹ و
شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۸۵۵۵۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
۱- آقای روح ا... گلمکانی به کدملی ۰۹۴۲۹۴۳۰۹۰
- آقای مهدی احمدی به کدملی ۰۲۳۸۱۱۰۷۰۵
۱- آقای طه مجدم به کدملی ۰۹۳۹۸۴۲۰۶۸ برای مدت دو سال به سمت اعضای هیات مدیره انتخاب شدند
- آقای صادق گلمکانی به شماره ملی ۰۹۳۳۱۰۳۲۹۹ به سمت بازرس اصلی و آقای رضا گلمکانی به شماره ملی ۰۰۹۳۲۱۳۰۴۱۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۲۲۷۰۱)
۰۹۸۱-۱۸۴۲

آگهی تغییرات شرکت سلیم نیروی شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۸۶۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۰۴۹۴۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
۱- موارد ذیل به موضوع شرکت الحاق شد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید:

-انجام خدمات فنی، مهندسی،تولیدی،مدیریتی،مشاوره ای، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز شرکت ها امور پیمانکاری، اجرای پروژه های صنعتی به صورت کلید در دست،ساخت واحداث، عملیات ساختمانی، تهیه و تأمین، تولید، خرید کالا،مونتازو پشتیبانی، تعمیر و نگهداری،بهره برداری،بهینه سازی،توسعه،نظارت بر خرید و فروش مواد اولیه، کالاهای نیمه ساخته و کالای نهایی، انتقال تکنولوژی،ساخت و تعمیر ماشین آلات و قطعات،خدمات پس از فروش در بخش عمومی و دولتی و وزارتخانه ها،سازمان ها و شرکت های وابسته به دولت و بخش خصوصی در داخل و خارج از کشور، اخذ وام و تسهیلات بانکی از کلیه بانک ها وموسسات اعتباری جهت شرکت، همکاری و مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و خارج از کشور در کلیه صنایع مختلف از جمله انرژی (تولید،ساخت،انجام هرگاههای برق،انتقال، پست ها و خطوط برق فشارقوی، شبکه های توزیع برق و مراکز دیسپاچینگ و مخابرات تیر،اتوماسیون ،بهینه سازی ،مقاوم سازی ،انرژی های نوو تجدید پذیر،صنایع برق (قدرت ،الکترونیک،مخابرات، کنترل، شبکه‌های مخابراتی و مراکز تلفن،سیستم های جامع رایانه ای ،سخت افزار،الکتربکی،الکترونیک و مخابراتی،حفاظت الکترونیک(هوشمند) و مخابراتی، دوربین های مدار بسته ،صنایع نفت و گاز،بالايشگاه،پتروشیمی و سایر فرآورده های مرتبط با این صنعت مربوط به تأسیسات سرچاهی و خطوط جریان، فراوری نفت و گاز و کارخانه های گاز و گاز مایع و تزریق گاز و آب ،بالايشگاه های نفت و گازو کارخانه های پتروشیمی ،مخازن ذخیره های نفتی ،خطوط انتقال نفت و گاز ،نلمیه خانه های نفت و ایستگاه های تقویت فشار گاز،سازه های دریایی نفت و گاز ،خطوط انتقال و مخازن و نلمیه ها و شبکه های نفت و گاز،بالايشگاه های نفت و گاز و پتروشیمی، تولید نفت و گاز، بهینه سازی مصرف انرژی در بخش عمومی و دولتی و وزارتخانه ها ،سازمان ها و شرکت های وابسته به دولت و بخش خصوصی در داخل و خارج از کشور،انجام هرگونه عملیات بازرگانی، عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی،تأسیس شرکت،ایجاد شعب،دفاتر خارج و داخل کشور،اخذ یا اعطای نمایندگی از و یا به شرکت های داخلی و خارجی ،بازرگانی،واردات و صادرات و خرید و فروش کلیه کالاها ،محصولات و خدمات فنی و مهندسی .

امور پیمانکاری مربوط به ساخت راه ها نظیر راه های اصلی و فرعی بزرگراه ها، ازادراه ها،راه های ریلی ،باند فرودگاه،سیستم های انتقال هوایی پایه دار،تونل ها، پل ها،راهراهی زیرزمین و سیستم های حمل و نقل (تهیه ،نصب، نگهداری و تعمیر تجهیزات) و راهداری و عملیات آسفالتی.
امور حمل و نقل (شامل رانندگی) پس از اخذ مجوزهای لازم و ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمیشد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۲۲۶۶۴)
۰۹۸۱-۱۸۸۱

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن مهر شماره یکمدر
و سه مشهد به شماره ثبت ۳۰۹۹۶
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۶۲۲۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ و نامه شماره ۱۰۰۲۵۷ مورخ ۹۷/۵/۲۱ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی مشهد تصمیات ذیل اتخاذ شد:
۱- اساسنامه جدید شرکت مشتمل بر ۷۸ ماده و ۶۲ تبصره به تصویب رسید.
۲- مدت فعالیت شرکت تا پایان سال ۱۳۹۷ تمدید گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۲۲۶۹۹)
۰۹۸۱-۱۸۵۴

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن مهر شماره یکمدر و سه مشهد
به شماره ثبت ۳۰۹۹۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۶۲۲۳۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۱ و نامه شماره ۱۰۰۲۶۱ مورخ ۹۷/۵/۲۱ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی مشهد تصمیات ذیل اتخاذ شد: ۱- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای محمد نجاران برق مشهدی ۰۹۳۸۴۶۴۴۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای ولی الله جعفری فرد ۰۰۳۶۹۸۲۱۲۴ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و آقای علی تاجیک ۰۹۷۴۴۰۹۷۴۴ به سمت منشی هیات مدیره و آقای محمد عظیم خزاعی ۰۸۸۹۱۷۵۴۴۸ بهسمت مدیر عامل شرکت برای مدت سه سال انتخاب گردیدند ۲- کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک-سفته- و برات و اوراق بهادار با امضای ثابت محمد عظیم خزاعی(مدیرعامل) و متغیر محمد نجاران برق مشهدی و ولی اله جعفری فرد و مهر شرکت دارای اعتبار است و اسناد عادی نامه ها با امضای محمد عظیم خزاعی (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۲۲۷۰۲)
۰۹۸۱-۱۸۵۲